

## تصویری از ترسائیه

دکتر مهدی لیک منش

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء (س)

### مقدمه

شعر فارسی - از آغاز تا امروز - دوره‌ها و تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است. در اولین دوره شعر دری (سبک خراسانی) با سادگی و بی‌پیرایگی زبان<sup>۱</sup>، تصاویر خیال، اندیشه و ... روبرویم و هرچه به پایان این دوره و آغاز دوره بعد نزدیک می‌شویم، عناصر شعری رو به تکامل می‌روند و شعر پخته‌تر و سخته‌تر می‌شود.

همزمان با شکل‌گیری دومین دوره در قرن ششم، شعر با هجوم صنایع بدیعی، توجه خاص به زبان، تکلف در حوزه بیان، فراوانی اصطلاحات علمی، و ... مواجه می‌شود و - همگام با نثر فارسی - دوره صنعت‌پردازی و تکلف‌ورزی را تجربه می‌کند و شعر آزاد و سبکیار دوره نخست، در قرن ششم (سبک آذربایجانی) با انبوهی از صنعت و تکلف بر دوش، به سنگینی و سختی گام برمی‌دارد.

با وجود آنکه شعر قرن ششم - حق - به طور عام به دلیل توجه ویژه شاعران به صورت شعر، بیشتر از هر دوره دیگری، نگاه شرح‌نویسان را به خود جلب کرده، اما به طور خاص شعر خاقانی بیش از هر شاعر دیگر مورد نظر شارحان بوده است.<sup>۲</sup>

تعبیر علی دشتی از خاقانی به "شاعری دیرآشنا" تعبیر دویهلر و قابل تأملی است؛ هم از سویی نام و شعر خاقانی از دیرباز بر زبانها بوده و هست - چنانکه علاوه بر شاعران معاصر و متأخر از وی، صاحبان تذکره‌ای

چون عوفی ، دولت‌شاه ، آذریگدلی ، و رضاقلی خان هدایت نیز به دیده احترام و تکریم به وی و شعرش نگریسته‌اند - و هم از سوی دیگر ، زبان فخیم ، تصاویر پیچیده ، و تنوع مضامین و اندیشه شاعر، شعر خاقانی را برای بسیاری از خوانندگان دیرباب کرده است.<sup>۲</sup>

با وجود تنوع موضوعات شعر خاقانی (مدح ، شکایت ، مرثیه ، حبسیه ، حج ، ستایش پیامبر ، عزلت و حکمت ، و ... ) و وجود قصاید متعددی که هر کدام می‌تواند نمودار اوج هنر شاعر و شاهکاری به شمار رود، قصیده ترسائییه وی بیش از هر چکامه‌ای در طول زمان مورد توجه و نظر خوانندگان و شارحان قرار گرفته است . مهمترین شروح این قصیده عبارت است از :

- شرح شیخ جمال الدین علی آذری توسی ، که برخی ابیات ترسائییه را شرح و در کتاب جواهر الاسرار خود در سال ۸۴۰ هـ.ق. نقل کرده است.

- شرح شمس الدین محمد بن جمال الدین احمد لاهیجانی که در سال ۱۲۱۸ هـ.ق. نوشته شده است.

- شرح ولادیمیر مینورسکی، خاورشناس روسی به زبان انگلیسی (۱۹۴۵م/ لندن) که توسط دکتر عبدالحسین زرین کوب ترجمه شده است.

- شرح قصیده حبسیه خاقانی ، با کمک شرح عبدالوهاب بن محمد الحسینی از علامه محمد قزوینی (۱۳۵۴)

- شرح ابیاتی برگزیده از دکتر سید ضیاءالدین سجادی در کتاب "گزیده اشعار خاقانی" (چاپ سوم، ۱۳۶۳)

- شرح مشکلاتی از این قصیده در کتاب "حواشی دکتر محمد معین بر اشعار خاقانی شروانی" به کوشش دکتر سید ضیاء الدین سجادی (۱۳۶۹)

- شرح ابیاتی برگزیده از دکتر سید ضیاء الدین سجادی در کتاب "شاعر صبح" (۱۳۷۳)

- شرح ابیاتی برگزیده از دکتر عباس ماهیار در کتاب "گزیده اشعار خاقانی" (۱۳۷۶)

- شرح کامل قصیده از دکتر عباس ماهیار در کتاب "خارخار بند و زندان" (۱۳۷۶)

- شرح کامل قصیده از دکتر جلال الدین کوزازی در کتاب "سوزن عیسی" (۱۳۷۶)

- ترجمه شرح مینورسکی به همراه تکمله و تعلیقاتی از دکتر عبدالحسین زرین کوب ، در کتاب "دیدار با کعبه جان" (۱۳۷۸)

- شرح کامل قصیده از دکتر نصرالله امامی در چاپ دوم کتاب "ارمغان صبح" (۱۳۷۹)

- شرح کامل قصیده از دکتر محمدرضا برزگر خالقی و دکتر محمدحسین محمدی در کتاب "مرثیه‌خوان مداین" (۱۳۷۹)

گفته‌اند ممدوح این قصیده که مینورسکی، وی را آندروونیکوس کومنه نوس می‌خواند (۶ / ص ۳۳) و استاد غفار کندلی او را باقر قماین ژاکانی می‌داند (۱۳ / صص ۵۵-۶۴) بیش از هر عامل دیگری سبب راه یافتن اعلام و اصطلاحات ترسایی در این قصیده شده است. (۶ / ص ۱۱۰)

درحقیقت، بسامد اصطلاحات ترسایی در این قصیده چیزی جز دست زدن شاعر به نوعی التزام نیست؛<sup>۲</sup> التزام در کاربرد اعلام، اصطلاحات، مضامین و تلمیحات ترسایی<sup>۳</sup>. کمتر یستی از این چکامه می‌توان یافت که از این التزام معنایی به دور باشد.

### طرح مسأله

نگارنده در این مقاله قصد دارد، نکته‌ای بدیع را از لابلائی تصویرگری که در آیاتی چند از این چکامه شکل گرفته - و در تمام شرح‌های یاد شده، از نظر دور مانده است - طرح کند.

زمینه اصلی این قصیده، "شکایت" است و خاقانی از مطلع این قصیده:

فلک کز روتر است از خط ترسا مرا دارد مسلسل راهب آسا

شکوه خود را از فلک باز می‌نماید، از بی‌حاصلی از اختر دانش گله می‌کند، به شعر خود تفاخر می‌ورزد، و بالاخره در ابیات زیر، رنجیده و آزرده از حاسدان خود می‌گوید:

زبان	روغنیم	ز	آتش	آه	بسوزد	چون	دل	قندیل	ترسا	
جو	قندیلیم	برآویزند	و	سوزند	سه	زنجیرم	نهادستند	اعدا		
چومریم	سرفکنده	ریزم	از	طمن	سرشکی	چون	دم	عیسی	مصفاً	
چنان	استاده‌ام	پیش	و	پس	طمن	که	استاده	است	القهای	اطعنا

(۲ / صص ۲۴-۲۵)

## مروری بر شرحها

اصلی‌ترین نکاتی که در شرحهای پیشین درباره این ابیات ذکر شده، عبارت است از:

- صفت روغین برای زبان به معنی نرم گفتاری، خوش زبانی (۱۷۹/۱۰، ۱۴/۴۶)، چرب سخنی و شیرین

گویی (۴۶/۱۱) و زبان فصیح و روان است. (۲۴۳/۱)

- قندیل: چراغدان، شمعدان. قندیل ترسا، قندیلی را گویند که پیوسته در کلیسا که معبد ترسایان است، آویخته

باشد. (۱۷۷۷۳/۵، ۳۶/۱۱، ۴۶/۱۴)

- سه زنجیر: زنجیرهای سه‌گانه‌ای که بر دست‌ها و پاها و گردن زندانیان می‌نهادند. شباهت و مناسبت با قندیل

هم از این روست که قندیل را به سه زنجیر از سقف می‌آویختند. (۱۷۹/۱۷، ۲۷/۱۴، ۳۷/۱۱، ۲۴۳/۱)

- سرافکنندگی مریم: گریستن مریم در پای درخت است، چنانکه قرآن از آن خبر می‌دهد: یا لَیْسَىٰ مَتًا

قَبْلَ هَذَا وَكُنْتَ نَسِيًا مِّنْسِيًا (۹۸۰/۷) نهمت جهرودان بر مریم است وَبِكْفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا

عَظِيمًا (۷۲/۶)

- دم عیسی: مشبّه به است برای سرشک، یعنی اشکی چون نفس و سخن زندگی بخش و جانفزای مسیح (۱۱)

۳۸/۸، ۵۳۶/۸) و یا اشکی سرخ چون خون پاک و خجسته عیسی (۶۷/۱۱، ۴۷/۱۴، ۳۸/۱۱)

- الف‌های اطعنا: دو الف اول و آخر کلمه اطعنا که اطراف طعن را در بر گرفته‌اند. یعنی همچون دو الف اطعنا

پیش و پس طعن ایستاده‌ام. (۱۳۳/۷، ۱۰/۸، ۱۱۶/۱۲۷)

در کلمه اطعنا می‌تواند ایهامی به معنی آن [اطاعت کردیم] نیز وجود داشته باشد. (۴۰/۱۱، ۶۷/۱۲). ارتباطی

با معنای لغوی کلمه ندارد. (۴۸/۱۴)

## دیدگاه نگارنده

تصاویر خیالی که در چهار بیت مورد نظر ذکر شده، از نگاه شارحان قدیم و جدید در چهار تصویر

مستقل زیر خلاصه می‌شود:

الف) تشبیه زبان خاقانی به دل قندیل کلسی‌ای ترسا.

ب) تشبیه شاعر به قندیلی که آن را با سه زنجیر آویخته‌اند و می‌سوزانند.

ج) تشبیه شاعر به مریم در سرافکنندگی و اشک ریزی.

د) تشبیه گرفتاری شاعر در طعن حاسدان ، به چگونگی قرار گرفتن دو الف اول و آخر کلمه اطعنا در طرفین کلمه طعن.

خطای شارحان در همین تصور استقلال تصاویر است. به نظر نگارنده ، خاقانی جرقة تصویری از خیال را در بیت نخست می‌زند، در بیت دوم طرح آن را پی‌ریزی می‌کند ، و در دو بیت پایانی به تکمیل و سامان بخشی چهارچوب آن می‌پردازد.

خاقانی در آغاز این قصیده ، از دو موضوع شکایت و تفاخر سخن گفته است :

#### شکایت از فلک

- |                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| ۱- فلک کز روتر است از خط ترسا        | ۱- فلک کز روتر است از خط ترسا        |
| ۲- نه روح الله بر این دیر است چون شد | ۲- نه روح الله بر این دیر است چون شد |
| ۳- تنم چون رشته مریم دو تا است       | ۳- تنم چون رشته مریم دو تا است       |
| ۴- من اینجا پای بست رشته مانده       | ۴- من اینجا پای بست رشته مانده       |
| ۵- چرا سوزن چنین دجال چشم است        | ۵- چرا سوزن چنین دجال چشم است        |
| ۶- لباس راهبان پوشیده روزم           | ۶- لباس راهبان پوشیده روزم           |
| ۷- به صبور صبحگاهی بر شکافم          | ۷- به صبور صبحگاهی بر شکافم          |
| ۸- شده است از آه دریا جوشش من        | ۸- شده است از آه دریا جوشش من        |
| ۹- به من نامشقق اند آباء حلوی        | ۹- به من نامشقق اند آباء حلوی        |

#### و شکایت از دانش بی حاصل خود

- |                                 |                                 |
|---------------------------------|---------------------------------|
| ۱۰- مرا از اختر دانش چه حاصل    | ۱۰- مرا از اختر دانش چه حاصل    |
| ۱۱- چه راحت مرغ عیسی را ز عیسی  | ۱۱- چه راحت مرغ عیسی را ز عیسی  |
| ۱۲- گر آن کیخسرو ایران و توراست | ۱۲- گر آن کیخسرو ایران و توراست |
| ۱۳- چرا عیسی طیب مرغ خود نیست   | ۱۳- چرا عیسی طیب مرغ خود نیست   |

تفاخر

- ۱۴- نتیجه دختر طبعم چو عیسی است که بر پاکی مادر هست گویا  
 ۱۵- سخن بر بکر طبع من گواه است چو بر اعجاز مریم نخل خرما  
 ۱۶- چو من ناورد پانصد سال هجرت دروغی نیست ها برهان من ها

و در دو بیت بعد این دو موضوع (شکایت و تفاخر، و بلکه اشاره به اختر دانش خود) را به زیبایی به هم پیوند می دهد:

- ۱۷- برآرم زین دل چون خان زنبور چو زنبوران خون آلوده غوغا  
 ۱۸- زبان روغنیم ز آتش آه بسوزد چون دل قندیل ترسا

دل خاقانی از غسل دانش آکنده است، اما همین غسل سبب جلب دشمنان شده است، از همین رو شاعر مانند زنبوران خون آلوده غوغا می کند. معنای ایهامی غوغا برآوردن (ناله و شکوه سر دادن/ غوغا آفریدن و اعجاز آفرینی در سخن) نیز قابل توجه است.

زبان روغنیم خاقانی (چرب سخنی و مستعد برای آتش) از آتش شکایت درون خاقانی چون چراغدان کلیسای ترسا می درخشد؛ یعنی باز هم جمع میان دو موضوع شکایت و تفاخر. بیت اخیر، با التزام خاقانی به مضامین ترسایی (در بیت حاضر، قندیل ترسا) همان جرقة ذهنی شاعر است که در بیت بعد، طرح تصویری شگفت و شگرف را پی ریزی می کند:

- ۱۹- چو قندیلیم برآویزند و سوزند سه زنجیرم نهادستند اعدا

شاعر شروان در این بیت، خود را به قندیلی تشبیه می کند که دشمنان او را با سه زنجیر آویخته اند و می سوزانند. آویختن و سوزاندن شاعر، در زبان گرفتن و طعنه زدن به اوست.<sup>۵</sup> دو بیت بعد، تکمیل کننده همین تصویر بدیع است:

- ۲۰- چو مریم سرفکنده ریزم<sup>۶</sup> از طعن سرشکی چون دم عیسی مصفاً

از دیگر وجوه شباهت خاقانی به قندیل، سرفکنندگی و اشک ریزی آن است. یعنی در این بیت، همچنان خاقانی تشبیه شده به قندیل آویخته و سوزان، به مریم می ماند که از سر طعن، سر به زیر افکنده و اشکی مصفاً چون دم عیسی (قطرات شمع) می ریزد.<sup>۸</sup>

اوج هنر خاقانِ شعر، خاقانی، بیتِ پایانی این تصویر است:

۲۱- چنان استاده ام پیش و پس طعن که استاده است الف های اطعنا

همچنان، خاقانی تشبیه شده به قندیل، چون الفهای اطعناست که پیش و پس کلمه طعن ایستاده‌اند. در رسم الخط کلمه اطعنا، سه الف وجود دارد: همزه یا الف آغاز، الف طای مؤلف، الف پایانی. و این یعنی ترسیم و تجسم شکل قندیل آویخته با سه زنجیر: اطعنا. بدین ترتیب خاقان ملک سخن، جرقه طرچی را که از ابتدا با کلمه قندیل و سه زنجیر پی‌ریزی کرده بود، اینچنین با کلمه اطعنا به اوج و کمال می‌رساند.

#### چند نکته پایانی

##### ۱- حرف گمراهی در شعر خاقانی<sup>۱</sup>

از برجسته‌ترین هنرهای بدیع و آرایه‌های بدیعی شاعر، روی آوردن به بازی با حروف و کلمات است. این بحث خود مقالی جداگانه و مقاله‌ای مستقل می‌طلبد، یا وجود این در اینجا به جهت ذکر دقت خاقانی در شکل کلمه و حروف آن، افزون بر کلمه اطعنا، شواهدی چند نیز ارائه می‌شود:

- ماه و سرانگشت خلق، این چو قلم آن چو نوون خلق چو طفلان نو شاد به نوون و القلم (۲/ ۲۶۱)

- وگر عنقایی از مرغان، ز کوه قاف دین مگذر که چون بی قاف شد عتقا، عتا گردد ز نلانی (۲/ ۲۱۴)

- حق می کند ندا که به ما ره دراز نیست از مال لام بنکن و باقی شناس ما (۲/ ۴)

و تصویر بسیار زیبای دست و پای شتران رهرو به صد هزار لام الف (لا)

- چون صد هزار لام الف التاده یک به یک از دور، دست و پای نجیبان رهبرش (۲/ ۲۱۷)

و چه بسا افتاده را در این بیت بتوان به معنی "شکل گرفته" و "در ذهن مصور شده"، معنی کرد و با تعبیری دو پهلو و ایهام گونه از آن به لام الف‌های وارونه تعبیر نمود؛ لام الف‌های (لا) وارونه‌ای که کنار هم قرار گرفتن آنها، دست و پای شتران در حرکت را در ذهن مجسم می‌کند.

## ۲- تشبیه گرای خاقانی

به نظر می‌رسد، سیر تصاویر خیال در شعر سبک خراسانی به سوی سبک آذربایجانی از تشبیه به سمت استعاره گرایش پیدا نکرده است، بلکه اساسی‌ترین ابزار تصویرسازی در شعر سبک آذربایجانی، تشبیه و اقسام آن است و خاقانی در قلمرو تشبیه، گوی سبقت را از دیگر شاعران نامدار این سبک یعنی ابوالعلائی گنجوی، فلکی، مجیر بیلقانی و نظامی ربوده است.<sup>۱۰</sup>

تصاویر خیال در ابیات مورد بحث ما همگی بر پایه تشبیه شکل گرفته است:

وجه شبه	مشبه به	مشبه
سوختن	دل قندیل	زبان خاقانی
با سه زنجیر برآویختن و سوزاندن	قندیل	خاقانی
سرافکنندگی از طعن و سرشک ریوی	مریم	خاقانی
پیش و پس طعن قرار گرفتن	الف‌های اطعنا	خاقانی

و بالاخره نوآوری خاقانی در قلمرو تشبیه، با حفظ پیوند و ارتباط این چند تشبیه با یکدیگر.

## ۳- صنعت استفاده

چه بسا از دیدگاه برخی خوانندگان، حضور قید "پیش و پس" در بیت:

چنان استفاده‌ام پیش و پس طعن      که استفاده است الف‌های اطعنا

بتواند طرح الف‌های سه گانه در کلمه اطعنا را مورد تردید قرار دهد! لیکن خاقانی با هنرمندی تمام از صنعت استفاده در ترکیب الف‌های اطعنا استفاده کرده است. یعنی منظور از الف‌های کلمه اطعنا در ارتباط با پیش و



پس، تنها دو الف اول و آخر واژه اطعناست که اگر آنها را برداریم، طعن می ماند؛ درست مانند بازی نظامی، با الف های آغاز و پایان کلمه انبیا:

همچو الف راست به همد و وفا اول و آخر شده بر انبیا (۱۶/ ص ۱۳)

اما همین الف های اطعنا در ارتباط با تصویر ارائه شده از قنديل - با احتساب الف در حرف "ط" - الف های سه گانه می شود که وجه شبه در تشبیه خاقانی به قنذیلی با سه زنجیر آویخته را تقویت و تکمیل می کند.

#### نتیجه بحث

چهار تشبیه ذکر شده در ابیات مورد نظر ما چهار تصویر مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه هر کدام به نوعی با تصویر قبل از خود ارتباط دارد؛ گویی ذهن خاقانی در ارائه هر تصویر تازه، به تکمیل تصویر قبل پرداخته و در نهایت نیز مجموعه تصاویر را از برابر ذهن خواننده دور نگه نداشته است. حلقه ارتباط و پیوند این تصاویر چیزی جز استفاده از آرایه استخدام نیست.

تشبیه زبان خاقانی به دل قنذیل، در بیت دوم با برآویختن با سه زنجیر و سوزاندن کمال یافته و برای خواننده پذیرفتنی تر شده است.

در بیت سوم با حفظ التزام معنایی به اشارات ترسایی، تصویری از شباهت خاقانی به مریم در سرافکنندگی و سرشکریزی - و بی گناهی و پاکی از طعن دشمنان - ارائه شده است؛ اما همین سرافکنندگی و اشکریزی که وجه شبه میان خاقانی و مریم است با استخدامی زیبا با تصویر قنذیل در دو بیت بالا نیز در پیوند است. از این روهم پیوند این بیت را با ابیات قبل حفظ کرده و هم با وجود ارائه تصویری تازه (شباهت خاقانی به مریم) تصویر قبلی با ادعای وجه شبه دیگری (سرافکنندگی و سرشکریزی) کامل تر شده است.

در بیت پایانی از این زنجیره تصویری به کمک بازی با حروف اطعنا، تصویری تازه از تشبیه خاقانی به طعن اسیر در میان الف های دوگانه اطعنا ذکر شده است. با وجود این، واژه طعن علاوه بر ایفای نقش در میان کلمه اطعنا، در استخدام و در پیوند با بیت قبل نیز هست؛ یعنی خاقانی، مریم صفت اسیر طعن است. از سوی دیگر الفهای اطعنا نیز با استخدامی شگفت در پیوند با بیت چهارم، الفهایی دو گانه است که پیش و پس طعن قرار گرفته اند؛ و در پیوند با دو بیت نخست و تصویر قنذیل، الفهایی سه گانه می شود که سه زنجیر قنذیل را تداعی می کند و این یعنی سیر تکمیل و تکامل یک تشبیه که به صورت زنجیره ای تصویری درآمده است. سیر تکامل این تصویر زیبا را باز دیگر در ابیات زیر مرور کنید:

زبان روغنیم ز آتش آه بسوزد چون دل قنذیل ترسا

چو قندیلیم بر آویزند و سوزند  
چو مریم سرفکنده ریزم از طعن  
چنان استادهام پیش و پس طعن

سه زنجیرم نهادستند اعدا  
سرشکی چون دم عیسی مصیفاً  
که استاده است الف های اطعنا

## پی نوشت

- ۱- منظور از سادگی زبان ، استفاده از کلمات بسیط ، جملات کوتاه و ساده ، پرهیز از تعقید و پیچش های زبانی و ... است ؛ اگرچه زبان آن روز درمقایسه با زبان معیار امروزی کهنه به نظر بیاید.
- ۲- درباره شروع اشعار خاقانی ، رک :  
- ( ۲ / صص شصت و پنج تا شصت و شش )
- (سید ضیاءالدین سجادی . حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی شروانی ، چاپ دوم ، شرکت انتشاراتی پازنگ ، تهران ، ۱۳۶۹ ، صص ۱۵۳-۱۶۵)
- ( ۱ / صص ۳۳-۳۵ )
- ۳- دکتر زرین کوب یک وجه از این تعبیر را مورد اشاره و انتقاد قرار داده است . رک : ( ۶ / صص ۱۵۷ )
- ۴- مرز و حدود اعنات در کتب بدیعی محدود و تنگ است . دکتر منیره احمد سلطانی درباره قصیده ترسائیه گفته است :  
یکی از بهترین اعناتها (اگر بشود آن را اعنات یا لزوم مالایلم نامید) قصیده ترسائیه خاقانی است . (منیره احمد سلطانی . قصیده نئی و تصویر آفرینی خاقانی شروانی ، چاپ اول ، سازمان انتشارات کیهان ، تهران ، ۱۳۷۷ ، صص ۱۲۸ )
- ۵- برای دیدن چشم انداز مسائل ترسائیه ، رک :  
- ( معصومه معدن کن - نگاهی به دنیای خاقانی ، چاپ اول ، مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ، ۱۳۷۵ ، صص ۶۰۷-۶۳۸ )
- (قمرآریان . چهره مسیح در ادبیات فارسی ، چاپ دوم ، انتشارات سخن ، تهران ، ۱۳۷۸ ، صص ۱۱۳-۱۱۴ و ۳۰۲-۳۰۳ )
- ۶- عموم شرح نویسان ، این بیت را شاهدی برای حبس خاقانی و گرفتاری وی در بند و زنجیر دانسته اند ؛ اما سه زنجیر در بیت حاضر می تواند مکمل تشبیه و بر ساخته شاعر در تشبیه خود به قندیل باشد.
- ۷- در نسخه عبدالرسولی ، به جای "زیرم" ، "زیرم" آمده است ( ۳ / ۲۰ ) در این صورت خاقانی ، اشکهای جمع شده زیر پای مریم ، قندیل ، و خود را مورد نظر دارد . شگفت انگیز است که حروف سه گانه کلمه طعن از نظر شکل ظاهر مانند کاسههایی است که اشک مذاب شمع در آن جمع می شود (رسم الخط یا شکل نوشتاری این سه حرف در خط فارسی توشالی است) .
- ۸- به قرینه مصفا و زلالی اشک شمع ، دم مسیح در معنی نفس پاک و زلال ری ترجیح دارد.
- ۹- در کتب سنتی بدیع ، اشاره ای به حرف گرای دیده نمی شود . در کتب جدید نیز اشاره کوتاهی به این مقوله شده است . رک :  
- ( سیروس شمیسا . نگاهی تازه به بدیع ، چاپ هفتم ، انتشارات فردوسی و دیدگاه ، تهران ، ۱۳۷۴ ، صص ۸۲-۸۳ )
- ( مهدی محبتی . بدیع نو ، هنر ساخت و آرایش سخن ، چاپ اول ، انتشارات سخن ، تهران ، ۱۳۸۰ ، صص ۱۷۵-۱۷۶ )
- ۱۰- ادعای المرونی بسامد تشبیه نسبت به استماره در شعر خاقانی ، نتیجه تحقیقی است که نگارنده بر اساس بررسی ابیاتی از شعر وی - به شیوه نمونه گیری - انجام داده است . برای آشنایی بیشتر با عنصر تشبیه در شعر خاقانی و نقش آن در تصویر آفرینی ، رک :  
- (علی اردلان جوان . تصویرهای زیبا در اشعار خاقانی ، چاپ اول ، انتشارات پازنگ ، تهران ، ۱۳۷۴ ، صص ۳۱-۱۵۹ )

- (علی اردلان جوان - تجلی شاعرانه اساطیر و روایات تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی ، چاپ سوم ، مؤسسه چاپ و انتشارات

آستان قدس رضوی ، مشهد ، ۱۳۷۵ ، صص ۱۲-۲۰)

## منابع

- ۱- امامی، نصرالله، ارمغان صبح، برگزیده قصاید خاقانی، چاپ دوم، جامی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل بن علی، دیوان خاقانی شروانی، به کوشش دکتر ضیاء‌الدین سجادی، چاپ چهارم، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۳.
- ۳- \_\_\_\_\_ دیوان خاقانی شروانی، به تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی‌هدالرسولی، چاپ ۹، انتشارات کتابخانه خیام، تهران، ۲۵۳۷ (۱۳۵۷).
- ۴- دشتی، علی، خاقانی شاهرزی دهر آشنا، چاپ چهارم، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر، لغت نامه، ۱۶ جلد، چاپ دوم از دوره جدید، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
- ۶- زرین‌کوب، عبدالحسین، دهبدارما کعبه‌جان، درباره زندگی، آثار و اندیشه خاقانی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸.
- ۷- \_\_\_\_\_ شاهر صبح، پژوهشی در شعر خاقانی شروانی، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۳.
- ۸- \_\_\_\_\_ فرهنگ لغات و تمهیدات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی، چاپ اول، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۷۴.
- ۹- \_\_\_\_\_ گزیده اشعار خاقانی، چاپ چهارم، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۱۰- قزوینی، محمد، قصیده حبیه خاقانی، یادداشت‌های قزوینی، جلد دهم، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۱- کزازی، میرجلال‌الدین، سوزن هیمی، چاپ اول، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۲- \_\_\_\_\_ گزارش دشواریهای دیوان خاقانی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۳- کنلی هریسچی، غفار، وابستگی خاقانی با گنجه، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۲، شماره اول، ۱۳۴۹، صص ۲۲-۶۴.
- ۱۴- ماهیار، عباس، خار خار بند و زندان، شرح قصیده معروف به ترسانیه، چاپ اول، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۵- \_\_\_\_\_ گزیده اشعار خاقانی، چاپ پنجم، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۶- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف، مخزن الاسرار، با تصحیح و حواشی وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ دوم، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۶.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.